

توضیح مختصر در مورد تقدم جبهه بر تشكيل حزب يا سازمان سياسی

تجربه چین

برای ایجاد یک جبهه، معمولاً نیاز به ابتکار و همکاری بین گروه‌ها و افراد مختلف است. این جبهه میتواند تحت شرایطی مانند توافق بر سیاستها و اهداف مشترک، هماهنگی در اقدامات و توجه به مصالح عمومی ایجاد شود.

بنابراین برای ایجاد یک حزب یا گروه سیاسی، ابتدا میتوان یک جبهه یا ائتلاف ایجاد کرد. این جبهه میتواند توسط گروه‌ها یا افرادی تشکیل شود که دارای منافع یا اهداف مشترک در حوزه‌های خاصی مانند اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی هستند.

پس از تشکیل جبهه و اتحاد میان اعضا، آنها میتوانند تصمیم بگیرند که از این جبهه به عنوان پایه برای ایجاد یک حزب یا سازمان سیاسی استفاده کنند. در این صورت، اعضا باید شروط و ضوابط مورد نیاز برای تشکیل سازمان یا حزب را رعایت و انجام دهند.

مائو زدونگ در چین، یک رویکرد بسیار متفاوت از تشکیل حزب و جبهه داشت. او بیشتر بر «ارتباط مستقیم با مردم تا پیشرفت همکاری با گروه‌های مختلف تاکید میکرد. در واقع مائو به حزب کمونیست چین را همان «جبهه انقلابی مردمی» میدانست و بر اهمیت مستقیم با مردم و جامعه محلی تاکید میکرد. به علاوه، مائو بر این باور بود که تشکیل حزب برای جلب حمایت مردمی بیشتر و تحقق اهداف اجتماعی و سیاسی مهمتر است تا تشکیل جبهه‌های گسترده‌ای در عدم ارتباط مستقیم با توده‌ها.

در نتیجه، مائو به دلیل باورهای خود درباره «ارتباط مردمی» و نیاز به داشتن حزبی قویتر، ممکن است از تشکیل حزب قبل از تشکیل جبهه انکار میکرد.

آیا مائو موفق به تشکیل جبهه متحد شد یا خیر؟

مائو زدونگ در طول حیات سیاسی خود، موفق به تشکیل جبهه‌های متحد و اتحادیه‌های انقلابی متعددی در چین شد. به عنوان مثال، در دوره جنگ داخلی چین و برای پیروزی در این جنگ، مائو

توانست مخالفان خود را جذب کند و با تشکیل جبهه‌های متحد، به جمع آوری نیروهای مختلف و برنامه‌ریزی انقلاب موفقیت آمیز دست یابد.

یکی از نمونه‌های برجسته این تلاش‌ها، تشکیل جبهه متحد ملی‌پرست چین (United Front) در دهه ۱۹۳۰ میلادی بود که با همکاری مختلفی از جمله کمونیست‌ها، ملی‌پرستان و افراد دیگر، برای مقابله با جاپان در جنگ جهانی دوم اقدام نمود.

بنابراین، میتوان گفت که مائو زدوونگ در برخی موارد موفق به تشکیل جبهه‌های متحد شد و از این راه به تحقق اهداف انقلابی و سیاسی خود دست یافت.

دموکراسی نوین مائو یا «دموکراسی مشارکتی» تفکر سیاسی است که برای اولین بار در دهه ۱۹۳۰ میلادی توسط مائو مطرح و به عنوان یک راهبرد برای پیشبرد اصول دموکراسی در چین معرفی شد.

دموکراسی نوین مائو بیشتر بر تأکید بر شرکت مردم در تصمیم‌گیریهای سیاسی تمرکز داشت. این مفهوم به معنای افزایش شرکت کارگران، دهقانان و سایر طبقات کارگری در تصمیم‌گیریهای سیاسی و اقتصادی بود. به عبارت دیگر، دموکراسی نوین به دنبال ایجاد ساختار جامعه‌ای بود که همه اعضای آن فرصت داشتند به طور فعال و مساوی در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت کنند و این دموکراسی مستقیم یا دموکراسی شورایی است که متشکل از نمایندگان قابل فراخوان بوده و قدرت در آن به گونه افقی و شکل یک مخروط وارونه منتشر میشود. در واقع در این سیستم اصلاً مخروط قدرت وجود ندارد.

به همین دلیل، دموکراسی نوین مائو به تخریب اقتدارهای سنتی و تشکیل ساختارهای مشارکتی و شورایی محلی تأکید میکرد. این تفکر هدفش تقویت اعتماد به نفس، مشارکت عمومی و دسترسی بیشتر مردم به قدرت و تصمیم‌گیری بود.

مهمترین ویژگیهای دموکراسی نوین شامل پایه‌گذاری اصول دموکراتیک در جامعه، تأکید بر حقوق مشارکت و شرکت مردم در تصمیم‌گیری سیاسی، و تأکید بر شوراها و ساختارهای تعاونی بود. این مفهوم،

تحولات اجتماعی و فرهنگی بزرگی را در چین ایجاد کرد که تا کنون هم تأثیرات آن در اقتصاد این کشور به وضوح قابل مشاهده است.